

فاشیسم چیست ؟

بخش پایانی

در کتاب اسطوره دولت کاسیرر می گوید که علت پیروزی نازیسم ، و به طور کلی ، جنبش های پوپولیستی اعم از چپ و راست ظهور مجدداً اندیشه اسطوره ای است. اگر چنین باشد نظریهٔ بازنمایی های جمعی که اعضای مکتب جامعه شناسی دورکم ارائه دادند و لوی -برول به کمک آن ذهنیت ابتدایی را مطالعه کرد باید مانند نظریه ذهنیت اسطوره ای کاسیرر بتواند جنبش های توده ای قرن بیستم را تبیین کند. در زیر خواهیم دید که مارسل موس یکی از اعضای مکتب دورکم همین کار می کند.

نوشتهٔ یدالله موقن

این مقاله بخشی از مقدمهٔ نگارنده بر ترجمه اش از کتاب : "اسطورهٔ دولت" ارنست کاسیرر (تهران، نشر هرمس ، چاپ اول ۱۳۷۷، چاپ دوم ۱۳۸۲، چاپ سوم ۱۳۹۲) است.

کتاب اسطوره ی دولت از لحاظی ادامه ی کتاب فلسفه ی روشنگری و از لحاظی دنباله ی جلد دوم فلسفه ی فرم های سمبلیک : اندیشه ی اسطوره ای است. موضوع کتاب فلسفه ی روشنگری تولد سوژه یا فردیت انسانی است که زنجیر خرافات و اعتقادات تعبدی را پاره کرده و خرد خود را که محبوس پیشداوری ها بود آزاد ساخته است. فلسفه ی روشنگری استقلال فرد و حقوق سلب ناشدنی و تفویض ناپذیر او را اعلام می کند و استقلال خرد و علم را در همه ی حوزه ها تأمین و تضمین می نماید. اما ، گویی، این روند رهایی بخش فرد از زنجیر سنت ها و پیشداوری ها هنوز به کمال نرسیده بود که سیر معکوس در پیش گرفت و انسانی که تازه از سیطره ی اسطوره های کهن رهایی یافته بود در چنگال اسطوره های سیاسی افتاد و مجدداً به بند کشیده شد. موضوع کتاب اسطوره ی دولت نیز مانند کتاب فلسفه ی روشنگری نبرد با اسطوره است. ولی در این جا میدان رزم، قلمرو سیاست است . پس از این لحاظ کتاب اسطوره ی دولت مکمل کتاب فلسفه ی روشنگری است. در جلد دوم کتاب فلسفهٔ فرمهای سمبلیک: اندیشه ی اسطوره ای ، کاسیرر فقط به

بررسی و تحلیل مقولات اندیشه‌ی اسطوره‌ای پرداخته و آنها را با مقولات نظیرش در قلمرو علم مقابله و مقایسه کرده بود ولی به نقش اجتماعی اسطوره در زندگی فردی و اجتماعی بشر و به ویژه در قلمرو اندیشه‌ی سیاسی کاری نداشته بود. ولی در کتاب اسطوره‌ی دولت به مسئله‌ی نقش اجتماعی اسطوره توجه بیشتری کرده است. در کتاب اندیشه‌ی اسطوره‌ی ای، سوژه، فرد پرسشگر و جستجوکننده غایب است، زیرا ذهنیتی از آن خود و مستقل از قوم و قبیله خویش ندارد و وجود او مستحیل در قوم است. در کتاب اسطوره‌ی دولت نیز مجدداً شاهد محو شدن سوژه یا شخص پرسشگر و جستجوگر هستیم.

جامعه‌ی زیر سلطه‌ی اسطوره، جامعه‌ی ای بسته است و بر جامعه‌ی بسته یا سنتی تفکر اسطوره‌ای یا ذهنیت پیش-منطقی حاکم است. و این موضوعی است که روان‌شناس برجسته ژان پیازه نیز تصدیق کرده و در دفاع از نظریات لوی - برول اظهار داشته است وی می‌گوید:

"نظریه‌ی لوی - برول در مورد جوامع بسته و تئوکراتیک نیز کاملاً درست است." زیرا به نظر ژان پیازه در این جوامع نیز در قلمرو علم و فلسفه، و به طور کلی تفکر، از خلاقیت‌های فردی اثری مشهود نیست."

گارونسکی معتقد است که کاسیرر کتاب: فلسفه‌ی فرم‌های سمبلیک، را در پاسخ به هرج و مرجی نوشت که پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول بر ذهن آلمانیها حاکم بود و می‌گوید که کاسیرر تحت تأثیر این نظر ژرژ سورل قرار گرفت که اسطوره نیروی محرکه‌ی غیر عقلانی در امور بشری است. ۳۱

البته نقشی را که ژرژ سورل برای اسطوره قایل است در خور توجه است، زیرا او خود هم فاشیست بود و هم مارکسیست و این دو اسطوره، جهان را در قرن بیستم به خاک و خون کشیدند.. البته احتمال این که کاسیرر کتاب فلسفه‌ی فرم‌های سمبلیک را تحت تأثیر سورل تألیف کرده باشد ناچیز است. ولی در مورد کتاب اسطوره‌ی دولت چنین احتمالی می‌تواند وجود داشته باشد. نکته‌ای که در کتاب اسطوره‌ی دولت در خور توجه است، هم عنوان خود کتاب است و هم عنوان بخش سوم آن، یعنی: اسطوره‌ی قرن بیستم.

کاسیرر به احتمال قریب به یقین عنوان بخش سوم کتاب خود را از کتاب آلفرد روزنبرگ به نام: اسطوره‌ی قرن بیستم گرفته است.

ژان کلودفرر در اثر خود به نام: سالکان ظلمات: کاوشی در سرچشمه‌های باطنی نازیسم می‌نویسد:

"آلفرد روزنبرگ شخصیتی اغواگر و چند چهره است. [...] او مردی است که بی‌پرده از هم‌نواپی اندیشه‌های جادویی با ناسیونال سوسیالیسم سیاسی دم زده و سالک سخت کوش نهان‌خانه‌هایی بوده که راه نازیسم را هموار کرده بودند.

روزنبرگ در شهر تالین کشور استونی در سال ۱۸۹۳ متولد شد. در آغاز تبعه ی روسیه بود و از دانشگاه مسکو دیپلم معماری گرفت. "۳۲

سپس به ارتش سفید پیوست و چون امیدی به پیروزی ارتش سفید روسیه در جنگ داخلی نداشت به کیف گریخت که در آن زمان در اشغال آلمانی ها بود. او بعداً با هیتلر ملاقات کرد. هیتلر در سال ۱۹۲۳، روزنبرگ را به چشم فیلسوف حزب می دید. روزنبرگ در انتخابات ۱۹۳۰ از سوی نازی ها نامزد انتخابات گردید و در همین سال کتاب خود به نام : اسطوره ی قرن بیستم را منتشر کرد. روزنبرگ پس از سقوط نازیسم بازداشت شد و در ماه مه ی ۱۹۴۵ در دادگاه نورنبرگ محاکمه شد و به جرم ارتکاب جنایت بر ضد بشریت به مرگ محکوم گردید و در ۱۶ اکتبر ۱۹۴۶ به دار آویخته شد. هیتلر درباره ی کتاب روزنبرگ می گفت : اثر روزنبرگ بیشتر از آثار چمبرلن در خور توجه است. پس از کتاب هیتلر به نام : نبردمن ، کتاب اسطوره ی قرن بیستم روزنبرگ بیشترین خواننده را در آلمان نازی داشت. فرر در کتاب : سالکان ظلمات می نویسد:

"هیتلر به علت درگیری شدید در سیاست عملی، تنها طرحی کلی از فلسفه ی نژاد پرستی ترسیم کرد، ولی روزنبرگ در این طرح مکتبی بسیار پیش تاخت و درست در همین بُعد مشخص، کتاب اسطوره ی قرن بیستم بیش از کتاب نبردمن هیتلر نص اساسی رایش سوم شد، یعنی کتابی که هر یک از رهبران رژیم باید پیوسته به آن مراجعه می کرد." ۳۳

پس بجاست که به طور اجمالی نظر این فیلسوف نازی را درباره ی اسطوره بررسی کنیم. دیوید بیدنی در مقاله ای که به نام: "اندیشه ی انسان شناختی" در تحلیل اندیشه ی انسان شناختی کاسیرر نگاشته است. در مورد کتاب اسطوره ی قرن بیستم روزنبرگ چنین می نویسد:

"اسطوره، بدان معنایی که روزنبرگ به کار می برد به جای آن که مفهومی در تقابل با علم باشد، باری مثبت دارد و به حقیقتی ارجاع می کند که متعالی تر از حقیقت علمی است. اسطوره ، شهود یک نژاد یا یک قوم از طبیعت و حیات است، و همین شهود اسطوره ای ، خصلت خاص آن قوم و سرنوشت او را آشکار می کند.

برپایه ی این فرضیه، حقیقت امری نسبی می شود که در خدمت نیازها و الهام های روح قومی است و حقیقت ، آن چیزی می شود که شکل و ارزش های باطنی این حیات ارگانیک را فزونی می بخشد. البته فقط انسان اروپای شمالی، و به ویژه هیتلر، از این موهبت برخوردار است که به طور خطاناپذیری آنچه را برای قوم (امت، Volk) حقیقت است تعیین کند؛ زیرا وجود معیاری عینی و کلی برای حقیقت، چیزی شناخته می شد که یهودیان ، کاتولیک ها و دموکرات ها جعل کرده بودند.

به طور خلاصه می توان گفت که اسطوره ، به منزله حقیقتی عرفانی و وابسته به قوم درک می شد که بر اثر پی آمدهای اجتماعی که برای قوم یا امت

برگزیده پیش می آمد به طور پراگماتیکی (مصلحت آمیز) تغییر می کرد و بر اثر شرایط جدید اعتباری تازه به دست می آورد.

"فلسفه" ی اسطوره شناسی روزنبرگ، اسطوره ی سیاسی است ، بدین معنی که این "فلسفه" ی اسطوره شناختی ، برای اعمال سیاسی غیرعقلانی دولت و رهبرانش نوعی توجیه عقلانی فراهم می کند. این فلسفه، تلاشی آگاهانه در جهت متزلزل کردن مبانی حقیقت عینی و اعتبار جهانی آن است تا منافع فرضی دولت را تأمین کند و از این طریق مانع توسل به عقل مشترک یا توسل به معیارهای ارزشی پذیرفته شده جهان متمدن در مورد روابط بین المللی شود. همین کوششرا کاسیرر اسطوره ی دولت می نامید و با تمام وجود آن را مردود می دانست."

دیوید بیدنی در مورد یکی از نتایجی که از کتاب اسطوره ی دولت می توان گرفت ، می نویسد :

" به نظر می آید که کاسیرر در این اعتقاد ساده لوحانه ی بعضی از تکامل باوران قرن نوزدهم ، که معتقد به پیشرفت خطی ، رشد مداوم و یکنواخت نهادهای عقلانی بودند، سهم نباشد.

او معتقد است که مانند قلمرو زیست شناسی که بعضی از (انواع حیات) به وضع ابتدایی تری نزول می کنند، در قلمرو جامعه و فرهنگ نیز بعضی جوامع سیر قهقراپی پیموده به وضع ابتدایی تری سقوط می کنند، با این تفاوت که این انسان های ابتدایی جدید به علت غیرعقلانیت (irrationalism) ذهنیت ابتدایی شان با تجهیز به تکنیک های علم مدرن بسیار خطرناک می شوند.

و چه بسا فاجعه ای برای خود و دیگران به بار آورند، هم چنان که به بار آوردند." ۳۴

هرچه جامعه ابتدایی تر باشد سلطه بازنماییهای جمعی بر فرد بیشتر است و تفکر را باید نه در مقطع فرد منفرد بلکه در مقطع جمعی مطالعه کرد. از این لحاظ نظریه ذهنیت پیش - منطقی لوی - برول یا نظریه ذهنیت اسطوره ای کاسیرر برای مطالعه جنبشهای اجتماعی در قرن بیستم، مانند کمونیسم و فاشیسم، بسیار مفیدند، زیرا در این جنبشها نیز فرد در جمع مستحیل شده است و ما نه با فرد و تفکر در مقطع فردی بلکه با گروه و تفکر در مقطع جمعی روبرو هستیم. مارسل موس در همین مورد و در اشاره به ظهور فاشیسم می نویسد:

" دورکم و من و سایر اعضای مکتب دورکم که نظریه سلطه بازنماییهای جمعی را ارائه داده بودیم هرگز پیش بینی نمی کردیم تعداد زیادی از جوامع مدرن که از بسیاری جهات، کم و بیش ، از قرون وسطی بیرون آمده بودند می توانستند مانند بومیان استرالیا با رقصهای خود مسحور شوند- و مانند چرخ و فلک کودکان که به آسانی به حرکت در می آید- آنان نیز به آسانی به جنبش درآیند. چنین بازگشتی به وضع جوامع ابتدایی هیچ گاه به خاطر ما خطور نکرده بود... ما هیچ

گاه وجود امکانات تازه فوق العاده را [برای چنین عقب گردی] در نظر نگرفته بودیم. من معتقدم که همه این امور برای ما تراژدی واقعی است، و اثبات قطعی اموری است که در نظریه بازنماییهای جمعی مطرح کرده بودیم. اما انتظار نداشتیم که اثبات این نظریه از طریق امور شوم صورت پذیرد نه امور خوب." ۳۵

منظور مارسل موس این است: همچنان که جوامع ابتدایی با انجام مناسک و شعائر، وجود خویش و سلطه خود را بر فرد نشان می دهند و فرد در جمع مستحیل می شود، جوامع مدرن نیز با راهپیماییها و میتینگ ها چنین وضعی پیدا می کنند.

فرد مسحور جمع می شود و سلطه بازنماییهای جمعی بر تفکر و رفتارش بیشتر می گردد. شعارهایی که در راهپیماییها داده می شوند همان فریادهایی هستند که قبایل ابتدایی به هنگام اجرای مناسک خود سر می دهند و پرچمهایی که فاشیست ها یا کمونیست ها در راهپیماییهای خود حمل می کنند همان باطل السحرها و طلسمهایی هستند که قبایل ابتدایی به هنگام اجرای مناسک خود حمل می نمایند. فاشیسم عبارت از اندیشه جادویی-اسطوره ای است که به تکنولوژی مدرن مجهز شده باشد.

پانوشت ها :

۳۱- Dimitry Garonsky, "Ernst Cassirer, His Life and His Work" in, *The philosophy of Ernst Cassirer*, (ed.) by Paul Arthur Schilpp (Open Court Co. LaSalle, Illinois, 1949), P33.

۳۲- ژان کلود فرر: سالکان ظلمات: کاوشی در سرچشمه های باطنی نازیسم، ترجمه ی دکتر هوشنگ سعادت (تهران، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۶۴) صفحه ی ۱۲۶. برای آگاهی از زندگی و نظریات روزنبرگ به صفحات ۱۲۶ تا ۱۶۵ آن رجوع کنید.

۲۳- ماخذ پيشين، صفحه ي ۱۲۸

۲۴- David Bidney: " Anthropological Thought"

در کتاب:

The Philosophy of Ernst Cassirer (ed.) by Paul Arthur Schilpp (Open CourtCo.LaSalle Illinois , 1949) ,pp. 525, 534.

۲۵- به نقل از:

S. Lukes, Emile Durkheim, His Life and Work, London, 1973 ,pp. 338-9n.